

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فرهنگنامه حقوق بشر اسلامی (1)

مبانی حقوق بشر

در اسلام

تألیف : دکتر عباس خواجه پیری
عضو هیات علمی دانشگاه و وکیل دادگستری

مشخصات ظاهری :
عنوان وپدیدآور : مبانی حقوق بشر دراسلام
دکترعباس خواجه پیری
شابک : 1 - 0 - 93609 - 600 - 976
رده بندی کنگره :
رده بندی دیویی
شماره کتابشناسی ملی :
نوبت چاپ : اول - 1391
شمارگان : 1000 نسخه
بها : 34000 ریال

چاپ ونشر این اثر بدون تغییر درمحتوای آن
با اطلاع قبلی صاحب اثر بلامانع است .

7	• دیباچه مولف
10	• مقدمه
14	• مبانی حقوق بشر در اسلام
14	• شرایط زمانی ظهور اسلام
23	• اصول حقوق بشر اسلامی
23	•
25	(1) اصل توحید
	(2) اصل مساوات و الغاء برتری
31	نسبی
36	(3) اصل فضیلت بر اساس ایمان و
	تقوا
40	(4) اصل وحدت امت
51	(5) اصل تعدیل ثروت و امکانات
52	در جامعه
55	(6) اصل حرمت جان انسانها
60	(7) اصل اعطای آزادیهای اساسی ..
65	(8) اصل حاکمیت مطلقه الهی
65	(9) اصل مشارکت عمومی مردم ...
71	(10) الغاء بردگی

	(11) اعطاء حقوق به زنان

12) اصل برخورداری انسان ها از حقوق

78	اجتماعی :
79	- حق تعیین اقامتگاه و مهاجرت
79	- حرمت زندگی خصوصی و شخصی
81	- حق تشکیل خانواده و انتخاب همسر
82	- حق انتخاب شغل و حقوق ناشی از
85	کار

• منابع و ماخذ

دیباچه مؤلف

بنا به دعوت رایزن محترم فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در مسکو، اواخر آذر ماه سال گذشته توفیقی دست داد تا در معیت مسئولان محترم بنیاد بعثت به کشور روسیه سفر کنیم و زمینه ها و راهکارهای توسعه ی فعالیت های فرهنگی در آن سرزمین را از نزدیک بررسی و بر اساس امکانات موجود، برنامه ی اجرایی لازم را تدوین نمائیم.

در این سفر ملاقات های مفید و پرباری با شخصیت های مختلف دینی و فرهنگی روسیه و تاتارستان انجام پذیرفت که بویژه در جلساتی که با مسئولین ادارات امور دینی آن دو جمهوری برگزار شد، شاهد اظهار علاقه شدید آنان به ارائه کتب و متون اسلامی و حتی کتاب درسی در زمینه های معارف و اخلاق اسلامی بودیم.

ابراز تمایل وافر مسئولین فوق و نیز جمعیت قریب بیست میلیون مسلمان در فدراسیون روسیه و بویژه در جمهوری های شمال قفقاز و ساحل ولگا ، و نیز مخاطبین فراوان مسلمان و غیرمسلمان در سایر کشورهای

اتحاد جماهیر شوروی سابق (که به زبان روسی تسلط دارند) ، همچنین عادت بسیار پسندیده اکثریت مردم آن دیار به مطالعه در وسائل نقلیه عمومی، موجب گردید موسسه نهضت ترجمه (که از قریب یکسال پیش فعالیت خود را در زمینه ترجمه و نشر الکترونیکی متون مربوط به معارف اسلامی آغاز نموده است) جامعه روسی زبان را به عنوان مخاطب اصلی خود قرار دهد و سازماندهی فعالیت خویش را در این راستا معطوف دارد.

اینجانب نیز به پشتوانه ی مطالعاتی که در بیش از یک دهه در زمینه ی حقوق بشر اسلامی دارم ، بر آن شدم تا با تدوین متونی نسبتاً روان و کم حجم ، و ترجمه و نشر آن به زبان روسی، اصول مترقی حقوق بشر اسلامی را برای آنان ارائه و تبیین نمایم.

بنا به توصیه مدیر عامل محترم بنیاد بعثت ، مقرر شد تا همزمان با ترجمه ی این اثر به زبان روسی، متن فارسی آن نیز منتشر گردد.

خداوند متعال را بر این توفیق شاکرم و از درگاه ربوبی
او توفیق تداوم این اقدام را مسئلت دارم.

دکتر عباس خواجه پیری

دی ماه 1391 هجری شمسی

مقدمه

موضوعیت یافتن حقوق بشر، به لحاظ فطری بودن آن، قدمتی معادل عمر بشر در جهان خاکی دارد و از آن زمان که انسان بر این کره خاکی استقرار یافت، مقوله‌ی حقوق بشر نیز متولد گردید و با تعدد و تکثر انسانها و جوامع بشری، رشد و توسعه پیدا کرد و همواره منشاء مبارزات و نهضت‌های حق طلبانه و آزادی خواهانه گردید و بعنوان آرمان جاویدان بشر باقی ماند.

مورخین در کاوشها و مطالعات خود به اسنادی دست پیدا کرده اند که به لحاظ قدمت تاریخی به بیش از 2 هزار سال قبل از تاریخ میلاد حضرت مسیح (ع) تعلق دارند و در متن آنها بر حقوق طبیعی انسانها و آزادیهای اساسی تاکید شده است.

ظهور دین اسلام در سال 610 میلادی نیز یکی از زرین ترین و جاویدترین فصول تاریخ بشریت است که به لحاظ محتوای تعالیم آن، بویژه در زمینه حقوق انسانها، در اندک زمانی در بخش وسیعی از جهان مورد پذیرش

و استقبال انسانهای تحت ظلم و ستم قرار گرفت و پیروان بسیاری پیدا کرد.

بنا به گفته ابوالعلا مودودی، متفکر و محقق مشهور، غریبها عادت دارند که هر امر خوبی را به خود منتسب کنند و چنین وانمود سازند که همه مواهب و فضایی که بشریت بر آن دست یافته است، از ایشان نشأت می گیرد، حال آن که مگناکارتا (منشور کبیر انگلستان) بعنوان نخستین سند تاریخی غرب در زمینه حقوق بشر، که در سال 1215 میلادی توسط جان (پادشاه وقت انگلستان) صادر گردید، بیش از ششصد سال پس از ظهور دین اسلام صادر شده است و این سند و اسناد متعاقب آن، دلیل محکمی بر عقب ماندگی غرب از قافله حقوق بشر و عدم توجه آنان به منزلت انسانی و تاخیر در مبارزه آنان با ظلم و ستم هایی که طی قرون متمادی بر بشریت رفته است، محسوب می گردد.

مطالعه مفاهیم حقوق بشری در تعالیم اسلام بوضوح گویای آنست که نظام حقوق بشر در شریعت اسلام و تعالیم پیامبر اکرم (ص) در مقایسه با آنچه در غرب مورد

ادعا قرار می‌گیرد، به مراتب کامل‌تر و جامع‌تر است، و علت این امر تفاوت اساسی دو نظام حقوقی غرب و اسلام در نگرش به انسان و ویژگی‌های مادی و معنوی اوست.

در شریعت اسلام، ملاک‌های فضیلت، انسانیت و معنویت انسان مورد توجه خاصی قرار گرفته است، حال آنکه دیدگاه غرب نسبت به انسان مبتنی بر عوامل معنوی و اخلاقی نیست.

از طرفی چون اخلاق و مذهب می‌تواند به عنوان قوی‌ترین پشتوانه‌ی اجرای حقوق بشر و حمایت از آن، کاربرد داشته باشد، لذا تقویت ارزشهای اخلاقی و مذهبی در هر جامعه سبب توسعه حمایت از حقوق بشر می‌گردد. و انحطاط اخلاقی یا بی‌توجهی به ارزشهای مذهبی نیز در نقض و سلب حقوق بشر تاثیر مستقیم و منفی دارد. بر این اساس چنانچه قانونمندیها و مقررات لازم‌الاجرا در جامعه از پشتوانه عظیم معنوی و اعتقادی افراد آن جامعه برخوردار نگردد، در نهایت نتیجه مطلوب و مورد انتظار ببار نخواهد آورد.

عدم توجه ارگانهای حقوق بشری سازمان ملل متحد و اسناد بین المللی موجود به مذهب و اعتقادات دینی موجب عدم موفقیت در توسعه حمایت از حقوق بشر در دنیای امروزی گردیده است، که نتیجه ی آن وضع رقت بار و اسف بار ناشی از نقض حقوق انسانهاست که همه روزه در تمامی نقاط دنیا شاهد آن هستیم .

در این سلسله مقالات ما برآنیم تا با معرفی اجمالی پاره ای از تعالیم ناب اسلامی ، حقانیت شریعت متعالی اسلام را در مقایسه با ادعاهای پرطمطراق ولی پوچ و بی اساس غربی ها بیان کنیم تا همگان بدانند که بشریت تا چه حد وامدار تعالیم اسلام و شریعت پیامبر خاتم(ص) است.

من الله التوفیق

مبانی حقوق بشر در اسلام

درک و شناخت مبانی حقوق بشر در اسلام جز با دقت در تاریخ معاصر ظهور اسلام ممکن نیست. بدین لحاظ به اختصار شرایط زمانی ظهور اسلام را مورد اشاره قرار می دهیم:

شرایط زمانی ظهور اسلام

اسلام در سرزمینی طلوع کرد که یکی از خشکترین و سوزان ترین نواحی عالم است و با وجود اینکه از مشرق و مغرب در محاصره آب و دریا قرار گرفته است، معهداً چون دریاهاى مزبور نسبتاً باریکند در وضع آب و هوای سوزان عربستان تغییری نمی دهند.¹ مردم عربستان که بادیه نشین بودند تابع نظم و فرمانبرداری و تسلیم در برابر هیچ قدرتی نبودند و بصورت قبیله ای زندگی می کردند و با دیگران همانطور رفتار می کردند که ناسیونالیست های افراطی و نژادپرستان با دیگر نژادها و ملت ها می کنند.

1- تاریخ عرب - ص 8

کشتار ، غارت ، دزدی ، هتک حرمت ناموس ، دروغ و خیانت را نسبت به دیگران مشروع می دانستند.¹

اعراب بدوی تابع حکومت خاصی نبودند و اساس ملیت و جامعه آنان را قبیله تشکیل می داد و مساله ذکر مفاخر قبیله ایی و بیان انساب و شاخه های قبیله و افزون نشان دادن افراد ، و لو با شمارش گور مردگان خود ، از بزرگترین شاخصه های تعصب قبیله ای آنان بود.²

نظام قبیله ای و تعصب قبیله ای و روح جنگجویی همراه با عصبیت جاهلی و ناسیونالیزم از خصائص ویژه اعراب بادیه نشین بود و جنگ و غارت از ابزارها و راههای رسمی امرار معاش آنان بود و به همین جهت آنان همواره برای جنگ در برابر دیگران و نیز غارت نسبت به قبایل اطراف خود مهیا و آماده بودند³، و در قصاید

1 - تاریخ سیاسی اسلام - ص 13

2- قرآن کریم- سوره تکاثر - آیات 2 ، 3

3- العصر الجاهلی - ص 61

عرب جاهلی کشتار و غارت از سند های افتخار بشمار می آمد.

رسم دختر کشی و زنده به گور کردن دختران یک رسم اشرافی بود و نه تنها اشراف بلکه گاهی نیز بواسطه فقر و تنگدستی، برخی دختران خود را که به کار جنگ و غارت نمی آمدند و سربار آنان بودند زنده به گور می کردند.

موقعیت اجتماعی زن در عهد جاهلیت چنان بود که اعراب جاهلی زن را مخلوقی میان حیوان و انسان می دانستند و فایده خلقت وی از نظر آنان فقط تکثیر نسل و خدمت به مرد بود و پیدا شدن دختر برای یک زن موجب شومی و بدبختی بود و از اینرو زنده بگور کردن آنان رایج و شایع شده بود و از حقوق مشروع اولیای دختر محسوب می شد.¹

این واقعیت در قرآن کریم چنین منعکس است :

"و اذا بشر احدهم بالانثی ظلّ وجهه مسوداً و هو كظیم

1 - تاریخ تمدن اسلام و عرب - ص 513-514

یتواری من القوم من سوء ما بشرّ به ایمسکه علی هون ام
یدسنه فی التراب الا ساء ما یحکمون."

یعنی: (زمانی که به یکی از آنان خبر می دادند که
دختری نصیب وی شده است، چهره اش سیاه می گشت
و خشم خود را فرو می خورد و از این خبر بدی که به
او می دادند از مردم پنهان می گردید .

آیا این دختر را با خواری نگهدارد یا او را زیر خاک
پنهان کند؟

بدانید که بد داوری می کنند).¹

اعراب جاهلی مردار می خوردند و راهزنی می کردند و
از شراب و زنا و بی بند و باری لذت خاصی می بردند.²
تمسک و پرستش انواع بت ها و تمثال ها و ایجاد بتکده ها
از خصوصیات اعراب حجاز بود و تعداد بتها به حدی
بود، که گفته می شود در زمان فتح مکه بوسیله پیامبر
اسلام (ص)، 370 نوع بت در کعبه قرار داشت و
بدست

1-قرآن کریم- سوره نحل- آیات 58و59

2 تاریخ اسلام - ص 43

لشگر اسلام منهدم گشت. 1

دامنه بت پرستی به قدری توسعه یافته بود که بت هایی بشکل حیوان و گیاه و انسان و جن و فرشته و ستارگان ساخته می شد و مورد پرستش قرار می گرفت. 2

بهترین تعبیر در تبیین اوضاع ظهور اسلام در سرزمین عربستان، همانست که حضرت علی ابن ابیطالب (ع) در خطبه خویش خطاب به اعراب فرمود: (خداوند متعال محمد (ص) را برای بیم دادن جهانیان از عذاب و خشم الهی برانگیخت و او بدانچه بر وی نازل می شد امین و نگهدارنده بود و شما ای جماعت عرب در آن موقع پیرو (جزیره العرب) بسر می بردید، در میان زمین های پر سنگلاخ و مارهای پر زهر که کر بودند اقامت داشتید، آشامیدنی شما آب تیره و گندیده و غذایتان خشن بود. خون همدیگر را می ریختید و با خویشاوندان خود قطع رحم می کردید و بتها در میان شما منصوب شده و

1 - العصر الجاهلی - ص 91

2 - ملل و نحل (شهرستانی) جلد سوم ص 271

بدترین آئین ها (بت پرستی) بودید و در بدترین دیار گناهان و معاصی بوسیله ی شما شدت یافته بودند).¹ آنچه بیان شد، گویای نمونه هایی از انحطاط اخلاق و فرهنگ جاهلی در زمان ظهور اسلام بود، ولی علاوه بر اعراب بت پرست ، مسیحیان عربستان و سایر کشورها نیز دچار فساد اخلاق ، خرافات و زشت ترین سخافتهای فکری بودند و وضعیت بسیار تاسف باری داشتند .

بعلاوه در سایر کشورها و مناطق نیز انحطاط اخلاقی، اختلافات شدید طبقاتی ، تعصب و سنت های غلط و بی بند و باری رایج بود.²

در دو کشور ایران و روم ، که بزرگترین دولت های دنیای آن روز بودند ، امتیازات طبقاتی و اختلافات مذهبی و انحصارگرایی اعیان و اشراف و هرج و مرج و

1- نهج البلاغه (فیض الاسلام) خطبه 26

2 - خدمات متقابل اسلام و ایران - جلد 1 - ص 99

آشفته‌گی بخوبی بچشم می خورد. 1

در چنین شرایط و زمان حساسی، که بشریت گرفتار سنتهای غلط تبعیض نژادی و اختلافات طبقاتی بود، اسلام ظهور کرد و با بیان حقوق اولیه بشری، انسان را از جاهلیت، خرافات و بندگی به انسانیت و کمال رهنمون گشت.

پیامبر اسلام (ص) فرمود :

(ای مردم، خداوند بزرگ با ظهور اسلام سستی جاهلیت و تفاخر به پدران و خاندان را از شما زدود. ای مردم به تحقیق شما از نسل آدمید و آدم از خاک آفریده شده است. آگاه باشید که بهترین شما نزد خداوند و گرامی ترین شما، پرهیزگارترین شماست) و نیز فرمود : (همه شما از آدم بوجود آمده اید و آدم از خاک است.

عرب را بر عجم فضیلتی نیست و سرخ پوست را بر سپید پوست و سپید پوست را بر سرخ پوست ، جز

فضیلت تقوا، امتیازی نیست). 1

اسلام برای نخستین بار در تاریخ بشر، حقوق بشر را از لحظه ای که وجود انسان در صفحه گیتی نقش می بندد تا دم مرگ، و از دم مرگ تا ابد، و نیز تکالیف او را با بانگ رسا و جهان گیر خطاب به همه افراد بشر و در همه روزگاران بیان کرد.

پیامبر (ص) با شعار اخوت و صلح میان قبایل گوناگون، عقد اخوت برقرار کرد و تا آنجائیکه می توانست مردم را به صلح و اخوت و برادری تشویق و ترغیب فرمود. قرآن کریم می فرماید:

انما المومنون اخوة فاصلحوا بین اخویکم...

یعنی: (به حقیقت مومنان برادر یکدیگرند، پس همیشه

بین برادران خود صلح دهید). 2

اسلام به مسلمانان آموخت که آنچه را بر خود می پسندند برای دیگران نیز بپسندند، و آنچه را که بر خود

1- حقوق بشر (اسدالله مبشری) ص 13

2- قرآن کریم- سوره حجرات- آیه 10

نمی پسندند بر دیگران نیز روا مدارند.¹

جالب اینکه اسلام اخوت و برادری را تنها در دین و مذهب اسلام منحصر نکرده، بلکه بر اساس اصل انسانیت استوار ساخت تا مبنای صلح و آرام جامعه قرار گیرد. بر همین اساس جانشین پیامبر (ص) علی ابن ابیطالب (ع) در فرمان تاریخی خود به مالک اشتر وقتی که او را استاندار مصر گردانید، چنین فرمود:

" اَمَا أَخٌ لَكَ فِي الدِّينِ وَ اَمَا نَظِيرٌ لَكَ فِي الْخَلْقِ "

یعنی: (مردم یا با تو برادر دینی اند و یا در آفرینش مانند تو هستند).²

1- الامام علی صوت العدالة الانسانية- ص 105

2- نهج البلاغه (فیض الاسلام) ص 984

اصول حقوق بشر اسلامی

برای درک مبانی حقوق بشر در اسلام لزوماً می‌بایست اصولی را مورد تحقیق قرار دهیم که شریعت اسلام بر آن مبانی استوار شده است، مهمترین این اصول عبارتند از:

1- اصل توحید

توحید به مفهوم وحدانیت خداوند، یکی از اعتقادات اساسی و یکی از واقع بینی‌هایی است که آدمی پایه و اساس زندگی خود را برای آن قرار می‌دهد. اسلام بوسیله اصل توحید با بت پرستی و عصبیت، که اعراب جاهلی و خرافاتی بدان دچار بودند، مقابله نمود و به وحدت و یکپارچگی همه جوامع (با هر نژاد رنگ و ملیت) فرمان داد و آنان را از تفرق، نفاق و پراکندگی بر حذر داشت. اعتقاد به توحید موثرترین راه و اساسی ترین محور برای وصول و نیل به اصل برابری، برادری و وحدت میان آحاد یک جامعه و نیز وحدت بین جوامع گوناگون است.

و بزرگترین مانع برای سلطه حکومت و تجاوزگران و ستمکاران بشمار می‌آید.

اصل توحید مبنای اساسی رهایی انسان از بردگی و بندگی دیگران است و وسیله رستگاری و آزادی انسانهاست ، پیامبر اسلام (ص) فرمودند :

" قولوا لا اله الا الله تفلحوا "

یعنی: (بگوئید که جز خداوند یکتا ، خداوندی نیست

تا رستگار و سعادت‌مند شوید).¹

اسلام با اتکاء به این اصل همه مایه های پراکندگی و دشمنی را از میان برداشت و عصبیت قومی، بت پرستی، خودخواهی و سودجویی را از بین برد و برابری و برادری را حول نظام یکتاپرستی پایه گذاری کرد.²

1 - نهج الفصاحه

2- اندیشه های سیاسی در اسلام و ایران (دکتر عسگر حقوقی)

2- اصل مساوات و الغاء برتری نسبی

پس از اصل توحید ، اسلام با ارائه اصل مساوات ، امتیازات جاهلی را ، که نه تنها جوامع عرب بلکه همه جوامع آن روز بدان دچار بودند ، ملغی نمود و عادات زشت اعراب را که در عصر جاهلیت به برتری قومی و نسبی افتخار می کردند ، لغو نمود و درخطبه حجة الوداع برادری همه مسلمانان را یادآور شد.¹

اسلام بر خلاف سنت های غلط قبیله‌گی و تفاخرات قومی و آداب و رسوم منحط رایج و تبعیضات متداول از نظر ثروت، وابستگی قبیله‌گی، زبان، نژاد، رنگ و از این قبیل و نیز سایه سهمگین استعمار و استثمار و عقاید جاهلی، و با علم به اینکه افراد بشر از نظر سازمان آفرینش و هم از جهات مادی و حالات استعداد روحی دارای تفاوت هایی هستند ، با مردود دانستن این گونه اختلافات در ایجاد تبعیض و عدم مساوات، همه افراد بشر را از لحاظ حقوق و تکالیف برابردانست و مساوات

1 - سیره الرسول (ابن هشام) ص 969

را در زمینه های :

الف- انسانیت

ب- حقوق و تکالیف

ج- داوری و اجرای قوانین ،

بصراحت اعلام نمود.1

پیامبر اسلام (ص) این نظریه که گروهی از مردم از "قسمت علیای خداوند" و گروهی از "قسمت سفلی خداوند" آفریده شده اند را مردود دانست و بصراحت اعلام فرمود که تمام افراد بشر از هر نژاد و رنگ از یک پدر و مادر آفریده شده اند : (ای مردم از خدایی که شما را از یک پدر و مادر آفریده و از آنها نسل های بعدی را پدید آورد ، بپرهیزید).

از دیدگاه اسلام تفاوت انسانها در نژاد، رنگ، زبان، ثروت، شغل و عقاید سیاسی و مذهبی، که بعضاً زائیده عوامل گوناگون محیطی و طبیعی است، به هیچ وجه سبب موجه

1- اسلام و حقوق بشر (زین العابدین قربانی) ص 139

برای ایجاد نظام تبعیض نژادی و امتیازات طبقاتی نیست، بلکه این تفاوت ها اولاً: برای شناخت بهتر وجود پروردگاری تواناست، چنانکه قرآن کریم می فرماید: " و من آیاته خلق السماوات و الارض و اختلاف الستکم و الوانکم ان فی ذلک لآیات للعالمین".

یعنی: (از نشانه های شناخت خداوند، آفرینش آسمانها و زمین و اختلاف زبانها و رنگ های شماس، که در این تفاوت ها عبرتی برای جهانیان است)." 1. ثانیاً: برای تمایز و شناسایی افراد بشر از یکدیگر است، چنانکه قرآن کریم می فرماید:

" یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوباً و قبائل لتعارفوا ان اکرکم عند الله اتقیکم".
یعنی: (ای مردم، ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را ملت ها و قبایل گوناگون قرار دادیم ، تا از یکدیگر شناخته شوید ، گرامی ترین شما نزد خداوند پرهیزکارترین شماست). 2.

1 - قرآن کریم - سوره روم - آیه 22

2 - منبع قبل - سوره حجرات - آیه 13

اسلام اینگونه با نژاد پرستی و اختلافات طبقاتی، که منشاء نابودی حقوق اولیه بشر است، مبارزه و مقابله نمود و خطاب خویش را متوجه همه مردم، از هر عقیده و مذهبی و در هر زمان و مقطعی نمود و ملت و نژاد خاصی را مورد خطاب خویش قرار نداد.

پیامبر اسلام (ص) در واپسین سال زندگی خویش، آنگاه که از سفر حج آخرین خویش فراغت یافت، در خطابه ای عظیم در برابر انبوه مسلمانان فرمود: (ای مردم: خدای شما یکی است، پدر شما یکی و همه شما از نسل آدمید، آدم هم از خاک آفریده شده است، گرمی ترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست. عرب بر عجم یا عجم بر عرب هیچگونه فضیلت و برتری ندارد. فضیلت و افتخار تنها از راه شایستگی و پرهیزکاری است).¹ این چنین اسلام هر گونه تبعیض نژادی و اختلاف طبقاتی را ملغی فرمود و روح مساوات و برادری

1- اسلام و حقوق بشر (زین الدین قربانی) ص 144، البیان و

را در جامعه اسلامی دمید و بدینوسیله "اعلامیه تساوی بشر" صادر گردید و اساسی ترین حقوق بشر، که امروز توسط انسانها در سراسر کره زمین مورد مطالبه می باشد، در تعالیم اسلام و در بیش از یکهزار و چهار صد سال پیش، بوسیله پیامبر اسلام (ص) اعلان گردید. بعلاوه این نخستین باری نبود که پیامبر اسلام (ص) از حقوق بشر سخن می گفت، پیش از آن، وحی الهی، که پیامبر (ص) عهده دار رسالت ابلاغ آن به انسانها بود؛ بوضوح تمامی مبانی حقوق بشر را بیان فرموده است.¹

پیامبر اسلام (ص) نه فقط در خطابه بلکه در سیره ی خویش نیز عملاً الغاء تبعیضات نژادی و اختلافات طبقاتی را به اثبات رسانید، که از جمله به مسئله ازدواج زینب دختر عمه پیامبر (ص) و زید (غلام آزاد شده اش) ، نصب زید و اسامه (فرزند او) به فرماندهی ارتش اسلام در جنگ با رومیان ، انتخاب بلال سیاه پوست

به عنوان مبلغ پایگاه اسلام و صدها نمونه عملی دیگر می توان اشاره نمود . همچنین پیامبر اسلام (ص) با پذیرش سلمان فارسی (که از مردم ایران بود)¹ به عنوان عضو خانواده خویش ، امتیازات نژادی و قبیله ای را (که از اختلاف محل اقامت جغرافیایی نشات می گرفت) عملاً ملغی ساخت.

اسلام همچنین تظاهر و تفاخر بر مبنای مال و مظاهر زندگی و برتری جوئی بر اساس مکنت و دارایی را مردود دانسته و اعلام نمود :

"وقالوا نحن اکثر اموالاً و اولاداً و ما نحن بمعذبين. قل ان ربی یبسط الرزق لمن یشاء و یقدر و لكن اکثر الناس لا یعلمون. و ما اموالکم ولا اولادکم بالتی تقرّبکم عندنا زلفی الا من آمن و عمل صالحاً".

یعنی : (خوشگذران های پول دار می گفتند که ما از او اموال و اولاد بیشتر داریم و لذا عذاب نخواهیم شد ، ای پیامبر، بگو پروردگار من روزی هر کس را که اراده کند کم یا زیاد می کنم ولی بیشتر مردم نمی دانند . اموال و

اولاد شما چیزی نیست که موجب نزدیکی شما به خدا شود، جز آنکس که ایمان داشته و عمل نیکو انجام دهد).¹

اسلام با الغاء تبعیضات نژادی و اختلافات طبقاتی، اصل وحدت امت را جایگزین آن نمود و پیامبر(ص) چنین فرمود: (مردم همچنان دندان‌های یک شانه هستند).²

3- اصل فضیلت بر اساس ایمان و تقوا

از آنجا که ایمان و اعتقاد انسان از مهمترین عوامل تکامل و سعادت او محسوب می شود، لذا ایمان به دینی که فضیلت و برتری بر مبنای قومیت، زور مندی، رنگ، نژاد و یا نسب را مردود بداند و انسانها را به برادری و برابری هدایت کند، مروج و بر پادارنده عدالت باشد، ستم و فساد را براندازد و انسانها را از وادی جهالت و خرافه پرستی به وادی نور و سعادت هدایت نماید، تنها موجب فضیلت و برتری انسانها بر یکدیگر محسوب می شود .

1- قرآن کریم- سوره سبا- آیه 37

2- آثارالصادقین(احسان بخش) ج4 ص436 - سیری در سیره نبوی (شهید مطهری) ص 288

اسلام دینی است که در آن، سطوح برتری تنها بر اساس شایستگی ها و کردارهای شخصی بنا شده است. قرآن کریم بعنوان مهمترین منبع حقوق اسلامی مقرر فرموده است:

" انّ اکرمکم عند الله اتقیکم ". یعنی: (همانا گرانقدرترین

شما نزد خداوند، پرهیزگارترین شماست).¹

پیامبر اسلام (ص) نیز صریحاً اعلام فرمود: (تنها اعمال صالح ملاک و نشانه برتری است و نه ثروت، نسبت یا وضعیت زندگی).²

ایمان اسلامی با توحید و یکتا پرستی و برادری آغاز گردید و مومنان از بت پرستی و زشتکاری و ستم بازداشته شدند و با قدرت ایمان در برابر کفار و ستمگران سرسختانه با پایداری و استواری قیام کردند و بساط بت ها و خرافات را برچیدند و یکسره دل به پیام آور آزادی، راستی، برادری و برابری دادند و به کسی که نام او در تورات و انجیل آمده بود، گرویدند و پیامبر نیز پاکی ها را بر آنها حلال کرد و ناپاکی ها را بر آنها حرام

1- قرآن کریم - سوره حجرات - آیه 13

2- human Rights in Islamic Law p.34

فرمود و بند های جاهلیت را که بر دست و پای آنها بود، باز فرمود. 1

ایمان از آن جهت مبنای فضیلت انسانها قرار گرفته است که عامل وحدت و یگانگی جامعه محسوب می شود. قرآن کریم می فرماید: "و اعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا. فاذكروا نعمة الله عليكم اذ كنتم اعداءً فألف بين قلوبكم فاصبحتم بنعمته اخواناً...".

یعنی: (همگی به رشته دین خدا چنگ زنید و به راههای متفرق نروید و به یاد آورید این نعمت بزرگ خداوند را، که شما با هم دشمن بودید و او در دلهای شما الفت و مهربانی انداخت و به لطف خداوند همه برادر دینی یکدیگر شدید). 2

از دیدگاه اسلام مومن مایه سود و منفعت است، اگر همراهش شوی سودت دهد، اگر با وی مشورت کنی سودت دهد، اگر شریکش شوی سودت دهد و همه اعمال وی مایه سود و منفعت است. 3

1 - قرآن کریم - سوره اعراف - آیه 157

2 - منبع قبل - سوره آل عمران - آیه 57

3 - نهج الفصاحه - حدیث شماره 3098

پیامبر اسلام (ص) می فرمایند : (مؤمن نرم خو و ملایم

است) 1، (مؤمن کم حاجت است) 2 .

(مؤمن کسی است که مردم او را بر جان و مال خویش

امین شمرند) 3.

(مؤمن از رنج مومنان رنجور می شود ، مانند تنی که از

رنج سر رنجور می شود) 4.

(مؤمن شریف و کریم است و فاجر ، فریبکار و فرومایه

است) 5 .

بر مبنای این صفات نیکوی مؤمن است که اسلام "ایمان"

را میزان و اساس فضیلت انسان ها قرار می دهد . ایمان

و دوری از معاصی و گناهان و زشتکاری ، موجب نیل

انسان به مقام تقوا و وصول به کمالات و فضایل است و

1-منبع قبل - حدیث 3097

2-منبع قبل - حدیث 3090

3-منبع قبل - حدیث 3085

4-منبع قبل - حدیث 3106

5-منبع قبل - حدیث 3087

به تعبیر قرآن کریم :

(تقوا مانند لباسی نیکوست که انسان بر تن می کند و این لباس موجب برتری و فضیلت انسان بر سایر افراد است).¹

و سرانجام نیکو به پرهیزکاران وعده داده شده است که بدنبال برتری جوئی، فساد و ستمگری در روی زمین نباشند.²

1-قرآن کریم- سوره اعراف- آیه 25

2- منبع قبل - سوره قصص - آیه 83

4- اصل وحدت امت

یکی از مبانی اصلی سیاست اجتماعی اسلام، مساله تشکیل "امت واحده" است. این اصل، بنیاد و اساس اجتماع در اسلام را تشکیل می دهد. بر اساس این اصل، آحاد مسلمانان صرفنظر از نژاد، رنگ پوست، ملیت و وضعیت اقتصادی، بر اساس رشته دینی و اعتقادی، اعضای سازمان سیاسی اسلامی (یعنی امت واحده اسلامی) به حساب می آیند و در سازماندهی این تشکیلات سیاسی عوامل تبعیض آمیز از قبیل قومیت، نسب، نژاد و ثروت هیچگونه نقشی ندارند. قرآن کریم در این خصوص مقرر می دارد¹:

"هذه امتکم امة واحدة وانا ربکم فاعبدون".

یعنی: (این امت شما امت واحده ای است و من پروردگار شما هستم پس مرا بپرستید).

غرض و هدف نهایی اسلام از تحقق "امت واحده" علاوه بر جنبه های معنوی آن، از جمله تکامل و سعادت انسان، شامل جنبه های مادی (از قبیل همفکری و تلاش بیشتر انسانها در تحصیل وسائل معاش، تامین آسایش و

1- منبع قبل - سوره انبیاء - آیه 92

رفاه اجتماعی، بر خورداری از امنیت و آسایش در پرتو جامعه اسلامی) می باشد و در واقع سیاست دینی اسلام به هر دو جنبه زندگی بشر (جنبه زندگی دنیوی و حیات معنوی و اخروی) توجه دارد و با هدف دار دانستن زندگی و حیات بشر، او را در جهت رشد و تکامل مادی و معنوی هدایت و ترغیب می کند. 1

دین اسلام با چنین سیاست و منطقی که ثابت و تغییر ناپذیر است، به تشکیل و تشیید مبانی " وحدت امت اسلامی " می پردازد و سازمان سیاسی اسلامی را ارائه می کند، امتی که در سایه ایمان و کشش قلبی خود متحد و تجزیه ناپذیر باقی می ماند.

امت، جامعه ای است متشکل از افرادی که از نظر حقوقی، سیاسی و مذهبی دارای اعتقاد و ایمان مشترکند و میان آنها قوانین منطبق بر قرآن (بعنوان قانون زندگی) و فرمانهای الهی حاکم است، این جامعه " دار العدل " نام میگیرد. قرآن، امت نمونه را چنین معرفی می کند: 2

1 - تاریخ اندیشه های سیاسی در اسلام و ایران

2 - قرآن کریم - سوره آل عمران - آیه 110

(شما نیکو ترین امتی هستید که برای مردم قیام کرده، مردم مردم را به نیکوکاری دعوت می کنید و از زشتیها باز می دارید و به خدا ایمان می آورید).

پس در جامعه اسلامی، حکومتی الهی بر امت متحد و یکپارچه با مساوات کامل و بدون وجود طبقات حاکم است. نمونه کامل این نوع حکومت در زمان حیات پیامبر اسلام (ص) تاسیس و اداره گردید.

آنچه مسلم است به لحاظ یکسان بودن عقاید، شریعت، قانون و مشترکاتی که بین مسلمانان وجود دارد، سازمان سیاسی اسلام، که عنوان "امت واحده" دارد، به مرز جغرافیایی و ملیت و محدودیتهایی از این قبیل محدود نمی شود، حتی کسانی که از "دارالاسلام" هجرت می کنند و در محل و کشور دیگری سکنی می گزینند، از عضویت این امت واحده خارج نمی شوند و به عنوان عضوی از امت واحده اسلامی باقی می مانند.¹

1- نظام الحكم والادارة فی الاسلام (محمد مهدی شمس الدین)

"امت واحده" جامعه ای معتدل است که به عنوان اسوه و گواه برای همه مردم و جوامع قرار میگیرد، چنانکه قرآن می فرماید :

" وكذالك جعلناكم امةً وسطاً لتكونوا شهداء على الناس".

یعنی: (و این چنین شما مسلمین را امتی معتدل قرار دادیم تا گواه مردم باشید و سایر ملل عالم از شما بیاموزند).¹

قرآن کریم ویژگی های "امت واحده" را در سوره ها و آیات مختلف خود تشریح می کند و از جمله "امت اسلامی" را دعوت کننده به خیرونیکی معرفی می کند: ²

"ولتكن منكم امةٌ يدعون الى الخير ويأمرون بالمعروف و ينهون عن المنكر".

یعنی: (می بایست از میان شما امتی باشد که مردم را به نیکي و صلاح دعوت کند و از زشتی و بدکاری

1- قرآن کریم- سوره بقره- آیه 143

2- منبع قبل- سوره آل عمران- آیه 104

باز دارد ...) .

نتیجه قطعی و اثر وضعی وحدت ملل اسلامی و تشکیل امت واحده اسلامی از نظر اجتماعی آنست که مسلمانان کشورهای مختلف به یکدیگر نزدیک شوند و دولتهای مسلمان نیز خط مشی و سیاستی اتخاذ کنند که در ایجاد روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی یکدیگر را در اولویت قرار دهند و در تحکیم مبانی امت واحده اسلامی بکوشند.¹

5- اصل تعدیل ثروت و امکانات در جامعه

بر خلاف آنچه گاهی مغرضین و جاهلان به دین اسلام نسبت می دهند، از اصول اجتماعی و اقتصادی شریعت اسلام، مبارزه جدی با پدیده فقر و وجود طبقات اقتصادی مختلف در جامعه اسلامی و نیز تقسیم بندی افراد یک جامعه به فقیر و توانگر، و امکان سلطه توانگران بر فقر است.

اسلام رواج فقر را از موجبات فساد و تباهی انسان و

1- حقوق اساسی و نهادهای سیاسی (جلال الدین

زمینه ساز کفر و بی اعتقادی جامعه تلقی می کند، و بدین دلیل با آن مبارزه می کند. قرآن کریم صراحتاً اعلام فرموده است 1:

"الشيطان يعدكم الفقر و يأمرکم بالفحشاء و الله يعدکم مغفرة منه و فضلاً و الله واسعٌ علیمٌ"

یعنی: (شیطان شما را به فقر می خواند و به کارهای زشت و ناپسند امر می کند و خداوند شما را به آمرزش و احسان می خواند و خداوند را فضل و رحمت بی منتهاست).

پیامبر اسلام (ص) نیز در تاثیر فقر می فرماید 2:

"كاد الفقران يكون كفراً"

یعنی: (نزدیک است که فقر موجب کفر و بی ایمانی باشد).

در عین حال دین اسلام بر تحصیل مال از راه مشروع و صحیح، و عدم تعدی به حقوق دیگران تاکید فراوان

1 - قرآن کریم سوره بقره - آیه 268

2 - اندیشه های سیاسی در اسلام و ایران - ص 74

دارد و چنین مقرر فرموده است که افراد جامعه از راههای مشروع و درست تحصیل ثروت نمایند.

قرآن کریم چنین امر کرده است :

"ولا تأكلوا اموالكم بينكم بالباطل و تدلوا بها الى الحکام

لتأكلوا فريقاً من اموال الناس بالاثم و انتم تعلمون".

یعنی: (مال یکدیگر را به ناحق نخورید و کار را به محاکمه قاضیان میفکنید، که بوسیله رشوه و زور پاره ای مال مردم را بخورید ، با اینکه به عدم استحقاق خود

آگاهید) . 1

همچنین مومنین را چنین مورد خطاب قرار می دهد:

"يا ايها الذين امنوا لا تأكلوا اموالكم بينكم بالباطل الا ان

تكون تجارة عن تراضٍ منكم". 2

یعنی : (مال یکدیگر را بنا حق نخورید ، مگر آنکه تجارتي از روی رضا و رغبت کنید...).

اسلام برای رفع فقر در جامعه اسلامی نهادهایی از قبیل انفاق ، احسان ، خمس ، زکات ، جهاد به مال ، خراج ،

1-قرآن کریم- سوره بقره- آیه 188

2-منبع قبل، سوره نساء- آیه 29

جزیه و کفارات را مقرر داشته است که هر یک از این نهاد های مالی در جهت فقر زدایی از جامعه تاثیر ویژه ای دارند .

انفاق در شریعت اسلامی مکرر و فراوان مورد تاکید قرار گرفته است و همه مسلمانان بدان ترغیب شده اند. خدوند در قرآن کریم پاداش انفاق به دیگران را چنین تشریح فرموده است :

"مثل الذین ینفقون اموالهم فی سبیل الله کمثل حبة انبتت سع سنابل فی کل سنبله مئة حبة و الله یضاعف لمن یشاء والله واسع علیم".

یعنی: (هفت خوشه بروید و در هر خوشه صد دانه باشد که یک دانه هفتصد دانه شود و خدا از این مقدار نیز برای هر که خواهد بیفزاید، چه خدا را رحمت بی متهاست).¹

خداوند انسان ها را به احسان امر می کند و از آنان پیمان می گیرد که به پدر و مادر، خویشان و یتیمان و مسکینان،

1- منبع قبل، سوره بقره- آیه 263

در راه ماندگان و فقرا و زندانیان نیکی کنند و از مساعدت مالی به آنان دریغ نوزند :

" ليس البرّ ان تولّوا وجوهكم قبل المشرق و المغرب و لكن البرّ من آمن بالله و اليوم الاخر و الملائكة و الكتاب و النبيين و آتى المال على حبه ذوى القربى و اليتامى و المساكين و ابن السبيل و السائلين و فى الرقاب و اقام و آتى الزكاة "

یعنی: (نیکوکاری بدان نیست که روی به جانب مشرق یا مغرب کنید ، بلکه نیکوکار کسی است که به خدای عالم و روز قیامت و فرشتگان آسمان و کتاب آسمانی و پیامبران ایمان آورد و دارائی خود را در راه دوستی خدا به خویشان و یتیمان و فقیران و در راه ماندگان و گدایان بدهد و هم در راه آزاد کردن بندگان صرف کند و نماز بپا دارد و زکات مال به مستحق دهد).¹

نهاد مالی خمس از واجبات دین اسلام است و مسلمانان می بایست یک پنجم از منافع مازاد بر هزینه سالانه خود

1 - منبع قبل - سوره بقره - آیه 177

را به حاکم اسلامی بدهند تا در کارهای خیریه (از جمله فقرا، ایتام و در راه ماندگان) هزینه کند و بدینوسیله با انتقال قسمتی از اموال توانگران به درماندگان از بار فقر جامعه اسلامی بکاهد.

دستور قرآن کریم چنین است :

"واعلموا انما غنمتم من شیء فانّ لله خمسهُ و للرسول و لذی القربى و الیتامى و المساکین و ابن السبیل..."⁰

یعنی: (ای مومنان بدانید که هر چه به شما غنیمت و فایده رسد، یک پنجم آن خاص خدا و رسول و خویشان وی و یتیمان و فقیران و در راه ماندگان است).¹

همچنین مسلمانان مکلفند مقدار مشخصی از برخی اموال خویش (مانند شتر، گاو، گوسفند، طلا، نقره و غلات) را سالانه به عنوان "زکات" در اختیار حاکم اسلامی قرار دهند تا توسط حکومت در اختیار فقراء و درماندگان، آزادی افراد در بند، قرض داران و حتی به غیر مسلمانان مستمند پرداخت شود.

1- منبع قبل - سوره انفال - آیه 40

قرآن کریم می فرماید :

"الَّذِينَ ان مَكْنَاهُمْ فِى الْاَرْضِ اَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ اَتُوا
الزَّكَاةَ..."

یعنی: (آنان که خدا را یاری می دهند کسانی هستند که
اگر در روی زمین به آنان اقتدار و مکتت دهیم، نماز را
پیا می دارند و زکات می دهند...)1.

تکلیف و ترغیب اسلام به پرداخت خمس، زکات ،
صدقه و انفال علاوه بر اثرات فقر زدایی در جامعه،
موجب کاهش فاصله طبقات اقتصادی میان مردم،
همبستگی و وحدت، قطع ریشه های ناشی از فقر در
جامعه و از همه مهمتر تعاون آحاد و اقشار یک جامعه
می باشد.

توجه اسلام به فقر زدایی در جامعه تا بدان حد است که
فقرا را در اموال توانگران صاحب حق می شناسد.

قرآن کریم می فرماید :

"وَالَّذِينَ فِى اَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ لِّلْسَائِلِ وَ الْمَحْرُومِ"

1- منبع قبل - سوره حج - آیه 41

یعنی: (آنان که در اموال و دارایی هایشان حقی معلوم

برای فقیر و محروم است).1

حضرت علی (ع) جانشین پیامبر(ص) چنین می فرماید:

(خداوند در دارایی های توانگران و اغنیا روزی

بی چیزان و تهی دستان را واجب گردانیده ، پس فقیر

گرسنه نمی ماند مگر به سبب آنچه توانگری به او نداده

است و چنین کسان در روز رستاخیز مورد مواخذه

پروردگار قرار می گیرند).2

مالیات خراج، که در واقع مالیات بر اراضی محسوب می

شود، در صدر اسلام از زمین دارانی که محصول قابل

توجهی داشتند به صورت قسمتی از محصول یا بهای

آن، دریافت می شد و صرف بهبود وضعیت سایر

مردمانی می گردید که نیازمند مساعدتهای مالی

بودند، خصوصاً کشاورزان، کارگران و دیگر تولید کنندگان

که بدان نیاز داشتند.

1- منبع قبل - سوره معارج - آیات 24 و 25

2- نهج البلاغه (فیض الاسلام) حکمت 328

"جزیه" نیز مالیاتی است که توسط اسلام برای غیر مسلمانانی که در سایه حکومت اسلامی زندگی میکنند، مقرر شده است تا با پرداخت آن جان، مال، حیثیت و ناموس آنان در امان حکومت اسلامی محفوظ و مصون باشد و در کنار مسلمانان در جامعه واحدی زندگی نمایند و از حمایت و پناه دولت اسلامی بهره مند گردند. این مالیات معمولاً بسیار کمتر از مالی است که مسلمانان بعنوان زکات و خمس می بایست به حکومت اسلامی پرداخت کنند.¹

در شریعت اسلام حتی برای برخی گناهان، که جنبه حقوق عمومی یا تجاوز به حقوق دیگران ندارد، جزای مالی به عنوان "کفاره" پیش بینی شده است، که به مصارف فقرا، محتاجان و یا فقرا می رسد و یا به اطعام فقرا و آزادی افراد زندانی می انجامد.

قرآن کریم می فرماید :

"لا یؤاخذکم الله باللغو فی ایمانکم و لکن یؤاخذکم بما

عقدتتم الايمان فكفارته اطعام عشرة مساكين من اوسط ما تطعمون اهليكم او كسوتهم او تحرير رقبة ...".
 یعنی: (خدا شما را بواسطه سوگندهای لغو و بیهوده مواخذه نخواهد کرد، لیکن بر آن قسمتی که از روی عقیده قلبی یاد کنید، مؤاخذه خواهد نمود و کفاره آن قسم طعام دادن ده فقیر است، از طعام متوسط که برای خانواده خود غالباً تهیه می کنید و یا جامه بر آنان بپوشانید و یا بنده آزاد کنید).¹

بدین ترتیب با ایجاد نهاد های مالی مناسب و پیش بینی نهادی بنام بیت المال (The State Exchquer) منابعی برای تامین انسانهای نیازمند را مقرر داشت و از طرف دیگر اصل زکات (Charity tax) را واجب گردانید، تا دولت با جمع آوری آن از ثروتمندان و دادن به فقراء، برابری و برادری، تعاون و معاضدت و نیز ایجاد تعاون اقتصادی و امکان ادامه حیات و زندگی حداقل نیازمندان جامعه را محقق سازد.

1- قرآن کریم - سوره مائده - آیه 89

پیامبر اکرم (ص) با ترغیب مردم به دستگیری از نیازمندان فرمود:

(از هیچیک از شما پذیرفتنی نیست که شب با شکم سیر به بستر رود ، حال آنکه همسایه او هنوز گرسنه باشد).¹

همچنین پیامبر اسلام (ص) در اهمیت سرپرستی یتام فرمود: (من و کسی که سرپرستی یتیمی را برعهده میگیرد، در بهشت کنار یکدیگر خواهیم بود).²

در مجموع منظور از وضع انواع مالیات ها در اسلام، جلب ثروتهای سرشار از ثروتمندان و توزیع آن بین فقرا و طبقات ضعیف جامعه و امور عام المنفعه و ایجاد تعادل و توازن مالی در اجتماع و برقراری عدالت اجتماعی می باشد.³

1- human Rights in Islamic Law p.40

2 - نظام مالی در سیستم اقتصادی اسلام (محمد مهدی آصفی) ص 38-39

3- آثار الصادقین (احسان بخش) -جلد 30 ص 58-حدیث 42015

6- اصل حرمت جان انسان ها

از دیدگاه اسلام حرمت جان و حفظ حیات انسانها از مهمترین مسائلی است که مورد توجه و تاکید قرار گرفته است.

در منابع حقوق اسلامی مکرراً تذکر داده شده است که سلب حیات از یک انسان بدون مجوز قانونی و شرعی به مثابه قتل همه انسانهاست. از جمله خداوند در قرآن کریم می فرماید :

"من قتل نفساً بغير نفسٍ او فسادٍ فی الارض فکأنما قتل الناس جميعاً".

یعنی: (هر کسی انسانی را بدون ارتکاب قتل یا فساد در روی زمین بکشد ، چنانست که گویی همه انسانها را کشته است).¹

این اصل شامل حفظ جان انسانهای دیگر در جامعه، مراقبت از جان و حیات خویش و منع اعمالی از قبیل انتحار و خودکشی و زیان رساندن به جسم و جان خویش، منع رسوم جاهلیت (از قبیل زنده بگور کردن

1 - قرآن کریم - سوره - آیه

دختران یا کشتن فرزندان از بیم فقر و گرسنگی (می باشد؛ و نه تنها حیات فیزیکی و مادی افراد جامعه را شامل می شود، بلکه حیات معنوی و فکری افراد را نیز در بر میگیرد، و تعرضاتی که موجب سلب حیات معنوی اشخاص می شود را نیز شامل می گردد. در خصوص اهمیت و دیدگاه اسلام در باب حق حیات و حرمت جان انسانها در مقاله مشخصی به تفصیل سخن خواهیم گفت.

7- اصل اعطاء آزادیهای اساسی

از آنجا که شریعت اسلام به لحاظ برخورداری انسان از نیروی تفکر و تعقل، برای او ارزش ویژه و خاصی بالاتر از سایر مخلوقات قائل است، بر این اساس او را همواره به تفکر و تعقل و تدبر تشویق می کند و به او توصیه می کند که معتقدات خود را بر اندیشه و تحقیق استوار سازد، و نه تنها به انسانها اجازه می دهد که عقاید و اندیشه های خود را بیان دارند، بلکه خداوند حتی به پیامبر (ص) چنین خطاب می فرماید:

"فبشر عباد الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه اولئک

الذین هداهم الله و اولئک هم اولوا الالباب".
 یعنی: (پس بشارت ده به آن دسته از بندگان من که سخن را می شنوند و آنگاه از نیکوترین سخن پیروی می کنند. آنان هستند که خداوند آنها را به لطف خاص خویش هدایت فرموده و ایشان به حقیقت خردمندان عالمند).¹

آزادی قلم و بیان و پاسداری از حرمت آزادی های فکری و عقیدتی از مختصات دین اسلام است، که در مقاله مستقلی راجع به آن مفصلاً بحث خواهد شد؛ متنها تفاوت آزادی های مزبور در شریعت اسلام با آنچه بعنوان آزادی در غرب معمول و رایج است، در آنست که : محدوده آزادی های مزبور در اسلام تا آنجاست که اشخاص با سوءنیت و به قصد تخریب افکار دیگران و گمراه کردن آنها اقدام نمایند و قلم و بیان خود را در مسیر سازندگی جامعه قرار دهند و با نیت بدخواهانه همراه نگردند.

با این طرز تفکر است که خداوند به "قلم" و "نوشته"

1-منبع قبل - سوره زمر - آیه 18

به عنوان مظاهر و سنبل های بیان و اشاعه علم و عقیده
سوگند یاد می کند :

(قسم به قلم و آنچه می نگارد).1

اصل اعطاء آزادی های اساسی در اسلام ، شامل انواع
آزادی های عقیده و بیان ، شرکت و عضویت در
اجتماعات مجاز ، فکر و مطبوعات می باشد و بعلاوه
شامل رفتار با اقلیتهای دینی نیز هست.

اسلام تاکید دارد که با معتقدان به ادیان دیگر با مدارا و
احترام رفتار شود، مگر کسانی که روابط خود را با
مسلمانان بر پایه ظلم و ستم قرار دهند. قرآن کریم چنین
مقرر می دارد.

" ولا تجادلوا اهل الكتاب الا بالتي هي احسن الا الذين
ظلموا منهم".

یعنی: (با اهل کتاب جز با طریق نیکو مجادله نکنید ،
مگر کسانی از آنان که ستم کرده اند).2

1- منبع قبل - سوره قلم - آیه 1

2- منبع قبل - سوره عنکبوت - آیه 26

8- اصل حاکمیت مطلقه الهی

نظریه متعالی اسلام در تعلق حق حاکمیت مطلق به خداوند و در عین حال وجود حاکمیت انسانها بر سرنوشت خویش و مالا حاکمیت ملی، از نظریاتی است که به مسئله ی "حاکمیت" معنا و مفهوم خاص و ویژه ای می بخشد. از طرفی در منطق اسلام حاکمیت مطلق تنها به خداوند متعال تعلق دارد.

قرآن کریم می فرماید: "ان الحكم الا لله...".

یعنی: (تنها حکمفرمای عالم خداوند است...)¹.

از سوی دیگر انسان به عنوان خلیفه و جانشین خداوند در روی زمین محسوب شده است. خداوند متعال مقام

جانشینی انسان را چنین بیان کرده است: ²

" و اذ قال ربك للملائكة اني جاعل في الارض خليفة "

یعنی: (بیاد آر آنگاه که پروردگار فرشتگان را فرمود: من

در زمین خلیفه ای خواهم گماشت...)، و هم او به انسانها

1- منبع قبل - سوره یوسف - آیه 40

2- منبع قبل - سوره بقره - آیه 30

اجازه و اختیار داده است که بر سرنوشت خویش حاکم باشند و در سایه حاکمیت الهی، برای تعیین سرنوشت خود اعمال حاکمیت نمایند و بر این اساس، حکومت و دولت بعنوان نماینده و مظهر اراده سیاسی مردم است و منشاء وجود و حاکمیت دولت، قدرت و حاکمیت مردم می باشد و بنابر این ملت می بایست در چارچوب حاکمیت الهی و قوانین دینی عمل کنند و متصدیان حکومت نیز باید امانتدار قدرت عمومی (بعنوان ودیعه مردم به حکومت) باشند.

از دیدگاه اسلام، اصل حکومت، الهی است و هدف از حکومت نیز باید الهی باشد، ولی اجرا و اعمال آن مردمی است. به عبارت دیگر در نظام و حکومت سیاسی اسلام قانون اساسی الهی است، ولی تطبیق آن با شرایط مختلف بر حسب مصالح امت اسلامی کاملاً مردمی است.¹

اسلام حکومت را الهی، برای هدفی الهی، ولی بوسیله مردم معرفی می کند. بنا بر این حاکمیت مردم با حاکمیت

1 - اسلام و حقوق طبیعی انسان (الهامی) ص 56

الهی منافاتی ندارد ، چون علاوه براین که حاکمیت الهی از نوع حاکمیت بشر نیست ، زیرا حاکمیت الهی حقیقی و حاکمیت بشر اعتباری است. این دو حاکمیت در عرض هم نیستند و هیچگونه منافاتی با یکدیگر ندارند. به این معنا همان طوری که منشاء هر نیروی دیگر را باید از آن قدرت والا جستجو کرد ، جوهر حاکمیت نیز از منبعی بالاتر از اراده انسان ها تراوش می کند و صورت خارجی نمود آن بر حسب زمان و مکان تعیین می شود و تابع اراده ملت است، بدین ترتیب سلطه زمینی و شکل یافته ، ساخته اراده ملت ها و یک تاسیس بشری است.

از طرفی منشاء الهی حاکمیت در رابطه با دولت و مردم نقش باز دارنده دارد ، به این معنا که چنان که در کلیه نظام های موجود برای اینکه قدرت ، دولت را به خودکامگی و طغیان نکشد ، و مانع تبدیل و تحریف حکومت دموکراسی به انواع استبداد های مختلف شود ، ناچار برای این حاکمیت از آغاز حدودی مقرر شده است و چارچوب های بین المللی (همچون منشورهای

حقوق بشر، میثاق‌ها، اعلامیه‌ها و کنوانسیون‌ها (پیش‌بینی‌گر دیده‌است؛ و تاریخ دموکراسی نشان می‌دهد که حاکمیت ملی هیچ‌گاه بدون قید و شرط و چارچوب نبوده‌است، در نظام اسلامی نیز حاکمیت که به عنوان ودیعه الهی به خلق واگذار شده‌است، هرگز اعمال آن بدون قید و شرط نمی‌باشد و دولتی که با اراده مردم روی کار می‌آید، حق ندارد از نوامیس الهی و قوانین فطری تخلف کند، و لذا "سن توماس" حکیم قرن سیزدهم میلادی به صراحت اعلام می‌کرد: (دولتی که بر خلاف قوانین الهی قانون وضع کند، غاصب است و افراد ملت حق دارند با چنین دولتی مبارزه کنند).¹

در حکومت اسلامی، حاکم ظاهری، نماینده حاکم واقعی "الله" است و موظف است خود را در چارچوب قوانین الهی قرار دهد، اگر چنین کند اطاعت از او اطاعت از خداوند است و بر همگان واجب است و گرنه، نه تنها

1- مجله اندیشه اسلامی - شماره های 4 و 5- مقاله دکتر ناصر

اطاعت از چنین حکومتی واجب نیست، بلکه افراد جامعه اسلامی مکلفند با حاکم ظالم و دیکتاتور به مبارزه برخیزند، بدینوسیله الهی بودن حاکمیت وسیله ای برای جلوگیری از طغیان و خود کامگی حاکمان قرار میگیرد. 1

اسلام حاکمیت را الهی، برای هدف الهی معرفی می کند، که بر اساس حاکمیت تفویض شده توسط خداوند به انسانها برای تعیین سرنوشت خویش، بوسیله مردم اداره می شود. بنابراین حاکمیت مطلقه خداوند به هیچ وجه بدان معنا نیست که در روی زمین نباید هیچ گونه حکومتی توسط انسان ها برقرار گردد، بلکه حاکمیت الهی در چار چوبی مشخص توسط خود انسانها اعمال و اجرا می شود و همانطور که مالکیت خداوند با مالکیت بشر هیچ گونه منافات ندارد، حاکمیت خداوند نیز با حاکمیت انسانها تعارضی ندارد، بلکه منشاء حاکمیت مردمی محسوب می شود.

با این مبنا حاکمیت ودیعه ای است الهی که به انسانها

واگذار شده است، تا بر آن اساس سرنوشت خویش را تعیین کنند. بر اساس تئوری حاکمیت در اسلام، قدرت عمومی به مردم تعلق دارد و به عنوان امانت در دست دولت قرار می گیرد و باید به عنوان امانت الهی و مردمی تلقی شود و ملک حاکم محسوب نشود و جنبه غضب قدرت پیدا نکند.¹

9- اصل مشارکت عمومی مردم

یکی از اصول مهم و اساسی حاکم بر جامعه اسلامی مسئله مشارکت عمومی آحاد جامعه در تعیین سرنوشت خویش و استقرار دموکراسی و آزادی انتخاب به مفهوم صحیح و طبیعی آنست.

مسئله امکان مشارکت عموم مردم در جامعه اسلامی، از مظاهر احترام شریعت اسلام به عقل و رشد شخصیت و تکریم مقام و منزلت انسان است. این حقیقت آنگاه جلوه واقعی خود را نمایان می سازد که توجه کنیم خداوند متعال پیامبر خود را، که نمونه کامل خرد و تدبیر بوده و

1- فلسفه سیاسی اسلام (دکتر عسگر حقوقی) ص 80

وظیفه ابلاغ رسالت را بر عهده داشته است ، مأمور ساخته تا با یارانش به مشورت و تبادل نظر بپردازد و پس از مشورت ، آنچه را که صحیح می داند برگزیند و بمورد اجرا بگذارد.

این دستور الهی به پیامبر اسلام (ص) در قرآن چنین آمده است:

"واعف عنهم واستغفر لهم و شاورهم فی الامر فاذا عزمت فتوکل علی الله".

یعنی: (آنان را ببخش و برای آنها آمرزش بخواه و در کارها با آنان مشورت نما و هرگاه تصمیم گرفتی بخدا توکل کن)1.

همچنین قرآن کریم در بیان ویژگی های اعضای جامعه اسلامی می فرماید :

"والذین استجابوا لربهم و اقاموا الصلاة و امرهم شوری بینهم...".

1-قرآن کریم - سوره آل عمران - آیه 159

یعنی: (آنان که ندای پروردگار خود را پاسخ گفته و نماز بپا می دارند و کارهای مربوط به آنان بر اساس مشورت و تبادل نظر است....) 1.

اینگونه خطاب ها و بیان ها بروشنی گواهی می دهد که اصولاً مسئله دخالت و مشارکت مردم در تعیین سرنوشت و امور خود، نه تنها به صورت یک امکان و اختیار، بلکه در قالب یک ضرورت و تکلیف دینی و اعتقادی مورد توجه اسلام قرار گرفته است و بعنوان یک اصل مسلم و تغییر ناپذیر از اصول سیاست اجتماعی و سیاسی اسلام تلقی می شود، تا بدانجا که قرآن کریم بصراحت فرموده است:

"ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم".
یعنی: (همانا خداوند حال هیچ قومی را دگرگون نخواهد کرد تا زمانی که خود آن قوم حالشان را تغییر دهند). 2.
توجه اسلام به مسئله مهم مشورت و جلب مشارکت

1- منبع قبل - سوره شوری - آیه 37

2- منبع قبل - سوره رعد - آیه 11

عمومی و حفظ آحاد ملت در صحنه امور سیاسی و اجتماعی، نمایانگر این واقعیت است که شریعت اسلام بر پایه حقوق طبیعی انسان بنیان نهاده شده است و افراد بشر را در استفاده از استعداد طبیعی و ذاتی و نیز اندیشه و عقیده اش آزاد گذاشته است.¹

در تاریخ صدر اسلام نیز مشاهده می شود که نظام شورایی و دسته جمعی در تمامی مسائل اجتماعی (اعم از سیاسی، اقتصادی و مذهبی)، بعنوان یکی از ارکان و اصول نخستین حکومت اسلامی است که توسط پیامبر اسلام (ص) بنیانگذاری گردید. شخص پیامبر (ص) نیز به شهادت تاریخ در بسیاری از امور به رایزنی با یاران خود می پرداخت و به رأی افراد مختلف توجه می نمود و برای رأی افراد صاحب نظر ارزش و اهمیت خاصی قائل بود، تا آنجا که برای رعایت این اصل مهم، در برخی از موارد از رأی خود صرف نظر می فرمود و رأی اکثریت یاران را به مرحله اجرا می گذارد، تا توسل به

1- اسلام و حقوق طبیعی انسان - ص 16

مشورت و جلب نظر و مشارکت دیگران را در امور اجتماعی به یاران خویش بیاموزد و لزوم احترام نهادن به افکار عمومی را در جامعه تثبیت کند. نمونه بارز و عملی این شیوه، ماجرای جنگ بدر است که در تاریخ بخوبی منعکس گردیده، در این جنگ پیامبر اسلام (ص) با جمع نمودن یاران خویش از آنان در خصوص شیوه مقابله با دشمن مشورت خواست و آنگاه که دو نظر مخالف ارائه شد، پیامبر (ص) نظریه انصار را علیرغم نظر خود برگزید¹، همچنین در جنگ احد نیز پیامبر اسلام (ص) درباره محل دفاع و مقابله با دشمن با اصحاب خود و اهل مدینه مشورت فرمود و با آنکه خروج از شهر مدینه را به مصلحت نمی دانست، به رأی اکثریت احترام فرمود و نظریه خروج از مدینه را انتخاب نمود.² این گونه پذیرش نظر اکثریت و رعایت اصل شورا و مشارکت عمومی، بدان سبب است که از دیدگاه اسلام

1- سیرة ابن هشام جلد 1-ص 61

2- الرسول القائد ص 160

استبداد و خود رأیی مایه ضلالت و گمراهی جامعه، و مشورت سبب جلوگیری از لغزشها در اجتماع است. چنانکه جانشین پیامبر اسلام (ص)، علی (ع) فرمود: (کسی که استبداد به رأی داشته باشد هلاک می شود و آنکس که با افراد بزرگ مشورت و همفکری کند، در عقل آنها شریک شده است).¹

10- الغاء بردگی

بی شک یکی از ارزنده ترین دست آوردهای دین اسلام، الغاء رسم ناپسند و غیر انسانی بردگی میباشد، که در قریب به اتفاق اقوام و ملل جهان متداول بوده است. تاریخ گواه صادقی است که شریعت اسلام بیشتر و استوارتر از هر دین و مسلکی با این پدیده باطل و شوم به شدت مبارزه کرده است و همواره با این ناهنجاری اجتماعی در ستیز بوده است.

اسلام با اعلام تساوی افراد در اصل انسانیت و منع خرید و فروش انسانها و نیز ترغیب به آزادی بندگان و

1- نهج البلاغه (فیض الاسلام) حکمت 161

بردگان در شکستن زنجیر ستم قرن‌ها از پای انسانیت، گامی اساسی و اصولی برداشت تا آنجا که آزاد ساختن بندگان را نشان گذاشتن از پیچ و خمهای دلبستگی دنیا دانسته است.

قرآن کریم اعلام می‌دارد: "و ما ادریک ما العقبة؟ فک رقبة".

یعنی: (و چگونه دانست که پیچ و خم تکلیف چیست؟ آن بنده آزاد کردن است).¹

همچنین شناسایی حقوق بردگان مانند سایر افراد جامعه نیز از گام‌های اولیه‌ای بود که در الغاء بردگی تاثیر بسزا و قابل توجهی داشت.

پیامبر اسلام (ص) فرمود: (بندگان برادران شما هستند که خدا آنان را زیر دست شما قرار داده است، از هر چه می‌خورید و می‌پوشید به آنها بخورانید و بپوشانید. از آنان بیش از قدرشان تکلیفی نخواهید و در تکالیف

1- قرآن کریم - سوره بلد - آیات 12 و 13

آن ها به ایشان مساعدت کنید).¹

بعلاوه اسلام بمنظور مبارزه و لغو بردگی، راههای گوناگونی را برای آزادی بردگان پیش بینی و منظور داشت. یکی از ابواب مهم فقه اسلام باب (عتق) به مفهوم رهایی بردگان است²، که در خصوص راههای آزادی سازی بردگان توضیحاتی با رعایت اختصار خواهیم داد. اسباب و راههای آزادی بردگان در اسلام به صورت ذیل پیش بینی شده است:

- مباشرت: با توجه به ترغیب و توصیه قرآن و اولیاء اسلام و برای درک ثواب و تقرب به خدا، مالک به اختیار خود یا پس از نذر یا عهد، اقدام به آزادی بنده ای نماید یا بهر مناسبی نسبت به خرید و آزادی بندگان اقدام کند. این شیوه مطابق توصیه قرآن کریم است.³

1- تاریخ تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری

2- اسلام و مالکیت در مقایسه با نظام های اقتصادی غرب-241

3- قرآن کریم- سوره بلد- آیات 12 و 13

- مکاتبه: در این شیوه قراردادی فیما بین مالک برده و شخص برده منعقد می شود، تا در مقابل تادیه مالی، بنده از قید بندگی آزاد می گردد. قرآن کریم در خصوص این طریقه می فرماید:
- "...والذین یتغون الکتاب ممّا ملکتم ایمانکم فکاتبوهم".
- یعنی: (...آن کسانی از بندگان شما که در خواست "مکاتبه" دارند با آن ها نوشته (قرارداد) رد و بدل کنید). 1
- تدبیر: عبارتست از وصیت مالک به آزادی برده بعد از وفات او.
- سرایت: اگر مالک برده بیش از یک نفر باشد، آزادی جزئی برده موجب آزادی کامل او میشود و آزاد کننده یا برده می بایست برای اداء سهم شریک مالک بکوشد. 2

1- منبع قبل - سوره نور - آیه 33

2- اسلام و مالکیت در مقایسه با نظام های اقتصادی غرب -

بعلاوه مطابق ضوابط اسلامی اگر مالک برده، او را چنان شکنجه دهد که یکی از اندامهای او از بدنش جدا شود یا اینکه برده را چنان بزند که زخمی گردد، باید برده را آزاد سازد.¹

به جز شیوه‌ها و روش‌های فوق که در فقه اسلامی آمده است، در مواردی دیگر از جمله کفارات²، دیات³، و ارث⁴ نیز راههایی برای آزادی بندگان و بردگان پیش بینی شده است.

مخالفان و یا جاهلان نسبت به اسلام شبهه می‌کنند که چرا اسلام در بدو ظهور خود یکباره اقدام به الغاء بردگی نکرد و حتی برای مالکیت و نحوه رفتار با بردگان و بندگان مقرراتی را تدارک دید و بطور ضمنی

1- تاریخ اندیشه‌های سیاسی در اسلام و ایران ص 93

2- قرآن کریم- سوره مائده-آیه 89

3- منبع قبل سوره نساء-آیه 92

4- اسلام و مالکیت در مقایسه با نظامهای اقتصادی غرب-

بردگی را تصویب کرد و مجاز دانست؟ یا اینکه به سنت
برده گیری در جنگها تداوم بخشید و به نگهداری اسیران
جنگی در قالب بردگان کماکان ادامه داد؟

واقع مطلب آنست که تاریخ بردگی را باید از زمان
حیات بشر جستجو نمود. این رسم مذموم دارای آنچنان
ریشه و سابقه تاریخی بود که روزگاران متمادی میان
قریب به تمامی اقوام و ملل جهان مرسوم و متداول بود
و در قرون گذشته نیز تا تصویب اعلامیه جهانی حقوق
بشر حتی با انقلاب کبیر فرانسه نیز لغو و باطل نگردید¹،
و پس از تصویب اعلامیه مزبور نیز در قالب ها و اشکال
دیگر کماکان در بسیاری از نقاط دنیا رایج و دایر است.
در دوران پیش از اسلام نیز حتی حضرت مسیح(ع)
بعنوان پیامبری بزرگ و انسان دوست ، بدلیل مخالفت
جدی سران مسیحیت ، نتوانست بردگی را ملغی سازد.²
باچنین شرایطی از نظرتاریخی ، سیاسی و اقتصادی مسلماً
مخالفت و مقاومت هایی که بویژه اسلام در بدو ظهور

-
- 1 - تاریخ اندیشه های سیاسی در اسلام و ایران -ص 85
 - 2 - اسلام و مالکیت در مقایسه با نظامهای اقتصادی غرب -
ص 327

خود با آن دست به گریبان بود، امکان لغو یکباره این رسم ناپسند را نداشت، ولی شریعت اسلام هیچگونه رسوم عرب جاهلی در مورد برده گیری و خرید و فروش بردگان را هم تصویب و تأیید نکرد، بلکه کوشید تا بر اساس سیاست گام به گام و عملی، با محو کلیه امتیازات موجود بین بردگان و دیگران انسانها، بستن راههای برده گیری از طریق غارت گریها و کشور گشائیها، اتخاذ شیوه های ترغیبی و تشویقی، به این رسم و عادات شوم و عارضه اجتماعی پایان دهد و انصافاً در این مسیر نیز به توفیق قطعی دست یافت.

از دلایل قطعی مخالفت اصولی اسلام بامسئله بردگی، حدیث معروف پیامبر اسلام (ص) است که فرمود: (بدترین مردم کسی است که به خرید و فروش انسان پردازد)1 و به یقین حل این معضل جز با یک تدبیر همه جانبه و مدت دار، راه چاره دیگری نداشت.

11 - اعطاء حقوق به زن

یکی از افتخارات شریعت اسلام در جهت تحکیم بنیان

1- تاریخ تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری

اجتماعی، توجه به زن و شناسایی حقوق وی در جامعه می باشد.

پیشتر گفته شد که در زمان ظهور اسلام، زنان در وضعیت بسیار رقت باری بسر می بردند، تا آنجا که اگر زن در وضع حمل خود دختر می زایید، مرد از شدت تأثر و شرمساری چهره اش تیره می گشت و از فرط سرشکستگی از میان قوم خود بیرون می رفت. قرآن کریم وضعیت مزبور را چنین بیان می کند:

"و اذا بشر احدهم بالانثى ظلّ وجهه مسوداً و هو كظيم يتواری من القوم من سوء ما بشر به ايمسكه على هون ام يدسه فى التراب الا ساء ما يحكمون".

یعنی: (چون یکی از اعراب جاهلی به فرزند دختری مژده داده می شود، از شدت غم و حسرت رخسارش سیاه شده و دلتنگ می شود، و از این عار روی از قوم خویش پنهان می دارد و به فکر می افتد که آیا آن دختر را با ذلت و خواری نگهدارد یا زنده به خاک گور کند. عاقلان آگاه باشید که بد عمل می کنند).¹

1-قرآن کریم- سوره نحل-آیات 58 و 59

رفتار عرب جاهلی با زنان حتی بدتر از رفتاری بود که با چارپایان خود داشتند. زنده بگور کردن دختران و کنیزان از ترس ننگ و عار و یا شدت فقر و بی چیزی، قبیح و ناپسند شمرده نمی شد.¹

با ظهور اسلام، پیامبر (ص) ضمن اعلام تساوی مرد و زن در اصل انسانیت فرمود:

" هو الذی خلقکم من نفسٍ واحدةٍ و جعل منها زوجها
لیسکن الیها " 2

یعنی: (اوست خدایی که همه شمارا از یک تن بیافرید و از او نیز جفتش را مقرر داشت تا به او انس و آرام گیرد).
و به جاهلین هشدار داد که در قیامت برای زنده بگور کردن دختران، تعقیب و مجازات خواهند شد.

" و اذا الموءدة سئلت بای ذنب قتلت "

یعنی: (روز جزایی که درباره دختران پرسش می شوند که به چه گناهی کشته شدند؟).³

1- تاریخ اسلام (علی دوانی) ص 43

2- قرآن کریم - سوره اعراف - آیه 189

3- منبع قبل - سوره تکویر - آیه 9

قرآن کریم احیاء کننده حقوق زن است و مخالفان اسلام لا اقل به این اندازه اعتراف دارند که قرآن در عصر نزولش گامهای بلندی به سود زن و حقوق انسانی او برداشت، ولی قرآن هرگز به نام احیای زن، به عنوان "انسان" و شریک مرد در انسانیت و حقوق انسانی، زن بودن و مرد بودن آنان را به فراموشی نسپرد و به عبارت دیگر قرآن زن را همانگونه دید که در طبیعت هست. از این رو هماهنگی کامل میان فرمانهای قرآن و فرمانهای طبیعت برقرار است. زن در قرآن همان زن در طبیعت است. این دو کتاب بزرگ الهی (قرآن و طبیعت) با یکدیگر منطبقند. اسلام در مورد حقوق خانوادگی زن و مرد فلسفه خاصی دارد که با آنچه در چهارده قرن پیش می گذشته و با آنچه در جهان امروز می گذرد، مغایرت دارد.

اسلام برای مرد و زن در همه موارد یک نوع حقوق و یک نوع وظیفه و یک نوع مجازات قایل نشده است. پاره ای از حقوق و تکالیف و مجازاتها را برای مرد، و پاره ای دیگر از آنها را برای زن مناسب دانسته است، در نتیجه

در مواردی برای زن و مرد وضع مشابه و در موارد دیگری وضع نامشابهی در نظر گرفته شده است. 1

قرآن کریم با صراحت کامل در آیات متعددی می فرماید که زنان را از جنس مردان و از سرشتی نظیر سرشت مردان آفریدیم. 2

قرآن درباره خلقت آدم می فرماید که: (همه شما را از یک پدر آفریدیم و جفت آن پدر را از جنس خود او قرار دادیم)، و درباره همه آدمیان می گوید: " ثم جعل منها زوجها ".

یعنی: (خداوند از جنس خود شما برای شما همسر آفرید). 3

بدین ترتیب اسلام آنچه را که در بعضی کتب مذهبی تحریف شده ی قبل از اسلام آمده بود، که زن از مایه ای پست تر از مایه مرد آفریده شده است ، مردود دانست .

1-نظام حقوق زن در اسلام(مطهری)ص109

2-قرآن کریم -سوره نساء آیه 1 و سوره اعراف -آیه 189 و سوره روم- آیه 20

3-منبع قبل - سوره زمر-آیه 6

اسلام تئوری " وجود زن به عنوان عنصر گناه و شیطان کوچک " و نظریه " عدم امکان وصول زنان به مقام قرب الهی و مقامات روحی و معنوی " را رد کرد . قرآن در کنار هر مرد بزرگ و متعالی، از یک زن بزرگ و با عفت یاد کرد، و از همسران آدم و ابراهیم و مادران موسی و عیسی در نهایت تجلیل یاد نمود، و اگر همسران نوح و لوط را به عنوان زنان ناشایست معرفی می کند، از زن فرعون به عنوان زن بزرگی که گرفتار مرد پلیدی گردیده بود، نام می برد و حتی در بیان داستانهای تاریخی توازن را نیز حفظ می کند و قهرمانان تاریخ را فقط منحصر به مردان نمی کند.

آنچه از دیدگاه اسلام در خصوص موقعیت و حقوق زن و مرد واجد اهمیت می باشد آن است که زن و مرد هر دو انسانند و از حقوق انسانی متساوی بهره مندند. کلمه " تساوی حقوق "، که در غرب رایج و مصطلح است، یک مارک تقلبی است که غربیها بر ره آورد خود چسبانیده اند. در دنیای غرب سعی می شود که میان زن و مرد از لحاظ قوانین و مقررات و حقوق و وظایف وضع

مشابهی بوجود آورند و تفاوت های غریزی و طبیعی زن و مرد را نادیده بگیرند و تفاوت میان نظر اسلام و سیستمهای غربی در همینجاست.¹

در اروپای قبل از قرن بیستم، زن قانوناً و عملاً فاقد حقوق انسانی بود، او نه حقوق مساوی با مرد داشت و نه مشابه او. در نهضت عجزلانه ای که در کمتر از یک قرن اخیر بنام زن و برای زن در اروپا صورت گرفت، ظاهراً زن حقوقی کم و بیش مشابه با مرد پیدا کرد؛ اما با توجه به وضع طبیعی و احتیاجات جسمی و روحی زن، در واقع او هرگز حقوق مساوی با مرد پیدا نکرد. مطابق دیدگاه اسلام لازمه عدالت و حقوق فطری و انسانی زن و مرد، عدم تشابه آنها در پاره ای از حقوق است، بدین لحاظ است که اسلام در زمینه حقوق زن و مرد، تساوی در اصل حقوق انسانی را می پذیرد ولی تشابه و وحدت و یک نواختی را در همه حقوق و جنبه ها نمی پذیرد و آنرا خلاف وضعیت طبیعی و نیازهای جسمی و روحی زن و مردی می داند. از نظر اسلام، حقوق طبیعی و اولیه زن و مرد متفاوت است.

1- نظام حقوق زن در اسلام- ص 121-122

شوهر بودن، از آن جهت که شوهر و مرد بودن است، وظایف و حقوق خاصی را ایجاب می کند و زن بودن، از آن جهت که زن بودن است، وظایف و حقوق خاصی را ایجاب می نماید؛ و همچنین است پدر یا مادر بودن و فرزند بودن. فرضیه عدم تساوی حقوق خانوادگی زن و مرد، که اسلام آنرا پذیرفته است، مبتنی بر این فلسفه و استدلال است.¹

12- اصل برخورداری انسانها از حقوق اجتماعی

علاوه بر حقوق و آزادیهای فردی و سیاسی، از نظر شریعت اسلام، افراد یک جامعه اسلامی از حقوق اجتماعی مختلفی برخوردارند، که اهم آنها عبارتند از: حق انتخاب محل اقامت و تغییر مسکن و مهاجرت، حق برخورداری از امنیت در زندگی شخصی و خصوصی، حق تشکیل خانواده و انتخاب همسر، حق تعیین شغل و انتخاب پیشه و کار مناسب، حق تحصیل و علم آموزی و سایر حقوق اجتماعی، که برای بهتر زیستن و رشد و تکامل انسان در جامعه ضروری و لازم باشد.

1 - منبع قبل ص 152-153

گرچه حقوق فوق در مقالات آتی مورد بحث قرار خواهد گرفت، ولی به طور اجمال به دیدگاه اسلام در خصوص برخی از آنها اشاره خواهیم کرد:

حق تعیین اقامتگاه و مهاجرت

از نظر شریعت اسلام نه تنها حق اقامت و عبور در هر سرزمین به انسانها اعطا گردیده است، بلکه اصولاً توصیه شده که انسانها برای فرار از مظلوم، همچنین درک صحیح تر از وقایع تاریخی و عبرت گرفتن از آنها و نیز یافتن سرزمین مناسب برای سکنی، به سیر و سفر پردازند و از محلی به محل دیگر "مهاجرت" کنند. قرآن کریم در فایده هجرت چنین می فرماید:

" و من یهاجر فی سبیل الله یجد فی الارض مراغماً کثیراً و سعة ".

یعنی: (آنکس که در راه خدا هجرت نماید، در زمین گشایش و وسعت می یابد...).¹

حرمت زندگی خصوصی و شخصی

در دین اسلام خانه و زندگی خصوصی و شخصی انسانها

1- قرآن کریم- سوره نساء- آیه 100

از حرمت ویژه ای برخوردار است و همه افراد جامعه وظیفه دارند حریم زندگی خصوصی دیگران را رعایت کنند و به هیچ شخصی اجازه تجسس و کنکاش بی مورد در زندگی و امور دیگران داده نشده است.

قرآن کریم ایمان آوردگان و پیروان خویش را از بدگمانی به دیگران نهی فرموده و آنرا گناه می داند و صراحتاً دستور می دهد که از تجسس در امور دیگران خودداری ورزند.¹

همچنین بمنظور رفاه افراد جامعه، از داخل شدن اشخاص به حریم زندگی و خانواده دیگران، بدون کسب اجازه قبلی صاحب آن منع می کند.

قرآن کریم بصراحت می فرماید: " یا ایها الذین آمنوا لا تدخلوا بیوتاً غیر بیوتکم حتی تستأنسوا و تسلّموا علی اهلها ذلکم خیرٌ لعلکم تتقون. فان لم تجدوا فیها احداً فلا تدخلوها حتی یؤذن لکم و ان قیل لکم ارجعوا فارجعوا هو ازکی لکم و الله بما تعملون علیم."

یعنی: (ای کسانی که به خداوند ایمان آورده اید، بجز خانه

1 - منبع قبل - سوره حجرات - آیه

های خویش به خانه ای وارد نشوید تا اینکه شناسایی دهید و بر ساکنان آن سلام کنید، که این برای شما بهتر است، شاید پند گیرید. اگر کسی را در خانه نیافتید، بدان وارد نشوید تا به شما اجازه دهند. اگر گفتند باز گردید، باز گردید که برای شما پاکیزه و شایسته تر است).¹

حق تشکیل خانواده و انتخاب همسر

حق تشکیل خانواده از حقوقی است که شریعت اسلام بر آن تاکید فراوان دارد و شاید هیچ یک از ادیان و مذاهب آنچنان که اسلام بر این مهم اصرار و تاکید ورزیده است، بدان نپرداخته اند، تا آنجا که پیامبر اسلام (ص) این امر مهم را با اعتقاد و دین داری افراد جامعه ممزوج می کند و می فرماید: (آنکس که ازدواج کند، همانا نیمی از دین خویش را محفوظ و مصون نموده است).²

از دیدگاه اسلام زوجین درانتخاب و همسرگزینی آزادند و علاوه بر اینکه هیچ محدودیتی از نظر نژاد، ملیت،

1- منبع قبل سوره نور- آیه 27

2- آثار الصادقین-جلد 7 - ص 449 حدیث 10568

رنگ پوست و از این قبیل معیارها مداخلیتی در تعیین همسر ندارد، اصل در انتخاب همسر و تشکیل کانون خانواده رضایت طرفین مقرر گردیده و بدینوسیله موجب ارتقاء شأن و منزلت زنان و مردان را فراهم نموده است.

حق انتخاب شغل و حقوق ناشی از کار

در اسلام همه افراد در انتخاب شغل آزادند و هیچکس حق ندارد که دیگری را به قبول و انجام کار خاصی اجبار نماید. اسلام تحمیل کار اجباری را ظلم و مبین با شرف و عزت انسانی می داند، چنانکه امام علی(ع)، جانشین پیامبر(ص) فرموده: (عقیده ندارم که کسی را به کاری که دوست ندارد وادار نمایم و به کار اجباری بگمارم).¹

در زمینه حقوق ناشی از کار نیز یقیناً اسلام با احترام وافر به عمل و زحمت کارگر، گوی سبقت را از دیگران

1- الامام علی صوت العدالة الانسانية (جورج جرداق) جلد اول-

ر بوده است، چرا که پیامبر اسلام (ص) بر دست پینه بسته کارگر بوسه می زند¹ و چنین دستور می دهد که: (مزد کارگر را قبل از خشک شدن عرق وی به او بپردازید).² البته نباید فراموش کرد که اسلام در کنار اصل آزادی انتخاب شغل، افراد جامعه را از تصدی و انجام مشاغل و کارهای خاصی که برای حفظ سلامت و سعادت اجتماع زیان آور است، منع می کند و پاره ای از مشاغل را به عنوان مشاغل حرام و ممنوع معرفی می نماید³ (مانند: ربا، قمار، ساخت و خرید و فروش شراب)، که موجب انحطاط فکری و جسمی افراد جامعه می شود. بطور کلی می توان چنین نتیجه گیری کرد که در شریعت اسلام، کلیه حقوق طبیعی که برای یک زندگی سعادت‌مندانه و

1 - نظام مالی در سیستم اقتصادی اسلام - ص 113

2 - منبع قبل - ص 115

3 - قرآن کریم - سوره بقره آیات 275 و 276 - سوره آل عمران آیه 130 - سوره نساء آیه 161 - سوره روم آیه 39 و آیات متعدد دیگر.

شرافتمندانه با رعایت اصل لزوم رشد و تکامل انسانها ضرورت دارد، پیش بینی و شناسائی گردیده است و نه تنها به عنوان تئوری و پیشنهاد، بلکه با برنامه عملی و ضمانت اجرای معقول و کافی همراه شده تا امکان اجرا پیدا کند و موجبات رفاه و سعادت افراد جامعه را فراهم آورد، که در آینده به طور مفصل تر برخی از حقوق اجتماعی را مورد بررسی قرار خواهیم داد .

منابع و مأخذ

- 1- آثار الصادقین- صادق احسان بخش- انتشارات ستاد نماز جمعه گیلان-1371ه.ش
- 2- اسلام و حقوق بشر- زین الدین قربانی- دفتر نشر فرهنگ اسلامی-1375 ه.ش - تهران
- 3- اسلام و حقوق طبیعی انسان- داود الهامی- دار التبلیغ اسلامی-1360 ه.ش- قم
- 4- اسلام و مالکیت در مقایسه با نظام های اقتصادی غرب- مرحوم آیه الله طالقانی-1344ه.ش-تهران
- 5- الامام علی صوت العدالة الانسانیة- جورج جرداق- انتشارات فراهانی-1344 ه.ش- تهران
- 6- البيان و التبیین - جاحظ- چاپ مصر-1929 میلادی-قاهره
- 7-الرسول القائد- چاپ بیروت-لبنان
- 8- العصر الجاهلی- دکتر شوقی ضیف- دار المعارف مصر-1340 ه.ش- قاهره
- 9- اندیشه های سیاسی در اسلام و ایران-دکتر عسگر حقوقی-1374 ه.ش- تهران
- 10- تاریخ اسلام-علی دوانی-دفتر انتشارات اسلامی-1373 ه.ش - قم

- 11- تاریخ تمدن اسلام و عرب-گوستاو لوبون
فرانسوی
- 12- تاریخ تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری -
آدم فز-1343 ه.ش-تهران
- 13- تاریخ عرب- فیلیپ ک حتی-انتشارات فرانکلین-
1344 ه.ش- تبریز
- 14- حقوق اساسی و نهادهای سیاسی- سیدجلال
الدین مدنی-1370 ه.ش- تهران
- 15- حقوق بشر- اسدالله مبشری- دفتر نشر فرهنگ
اسلامی-1357 ه.ش- تهران
- 16- خدمات متقابل اسلام و ایران- شهید مرتضی
مطهری- شرکت سهامی انتشار
- 17- رحمت عالمیان- محمد(ص)- فضل الله کمپانی-
دارالکتب الاسلامیه
- 18- سیرة الرسول- ابن هشام- چاپ کتیگن-1858
میلادی
- 19- سیری در سیره نبوی - شهید مرتضی مطهری
- 20- فلسفه سیاسی اسلام - دکتر عسگر حقوقی-
1354 ه.ش- تهران
- 21-قرآن کریم

- 22- الممل و النحل - ابوالفتح محمدبن ابوالقاسم عبدالکریم شهرستانی - لیپزیک-1923 میلادی
- 23- مجله اندیشه اسلامی - شماره های 4 و 5- تهران
- 24- نظام الحکم و الادارة فی الاسلام - محمد مهدی شمس الدین- چاپ بیروت - لبنان
- 25- نظام حقوق زن در اسلام- شهید مرتضی مطهری- انتشارات صدرا-1357 ه.ش- تهران
- 26- نظام مالی در سیستم اقتصاد اسلامی- محمد مهدی آصفی
- 27- نهج البلاغه - فیض الاسلام-1346 ه.ش-تهران
- 28- نهج الفصاحه- چاپ تهران

29 - Human Rights in Islamic law-
Tahir Mahmud-New delhi-1993